

Depicting the Epic Tone and Perspective in Social Behavior and Literary Speech of the Early Qajar Period (Agha Mohammad Khan, Fath Ali Shah, Mohammad Shah, and Naser al-Din Shah 1209 to 1313 AH)

Mohammad Moradi¹

Type of article: Original research

Received: 01 August 2025, Accepted: 07 August 2025

Doi: 10.22034/rrl.2025.2067658.1056

Abstract

The epic, as one of the main literary genres, has had special and numerous manifestations in Persian poetry. Although this genre has reached its most extraordinary splendor in the Khorasani style, it has also manifested itself in aspects of social and literary behavior and speech in the literature of recent centuries. In recent years, the epic has been introduced in various forms, and in a new definition, it can be introduced with other principles. This article attempts to examine the tone and general appearance of epic in Iranian society during the years (1209 to 1313 AH) by introducing and analyzing influential cultural and political events, along with examining significant literary works during the reign of the first four kings of the Qajar dynasty (Agha Mohammad Khan, Fath-Ali Shah, Mohammad Shah, and Naser al-Din Shah). Accordingly, in the introduction of the article, a general and different definition of epic is presented, and possible manifestations of epic are introduced. After that, the epic tone in the behavior of the kings and the Iranian society of this period is analyzed. In the second part, various aspects of the emergence of epic in the literature of the mentioned period are briefly introduced. The results show that during this period, due to political defeats in wars and also in confrontations with colonial governments, the tone of politicians and government statements mainly was conservative and unenthusiastic, and instead, the Iranian epic tone was transferred to popular movements and religious and return literature; however, in many literary works, including Ta'ziyya and Ashura works, a kind of mysticism, trust-centeredness, and satisfaction have replaced the epic view.

Keywords: Epic literature, Epic tone, Qajar literature, Iran-Russia war, Tobacco movement, Ashura poetry

1. Associate Professor and Faculty Member, Department of Persian Language and Literature, University of Shiraz, Iran. Email: momoradi@shirazu.ac.ir

ترسیم لحن و نگاه حماسی در رفتار اجتماعی و گفتار ادبی دوران اول قاجار (آغامحمدخان، فتحعلی شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه ۱۲۰۹ تا ۱۳۱۳ ه.ق)

محمد مرادی^۱

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰، پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶

DOI: 10.22034/rrl.2025.2067658.1056

چکیده

حماسه در جایگاه یکی از انواع اصلی ادبی، در شعر فارسی جلوه‌هایی ویژه و متعدد داشته است. این نوع اگرچه در سبک خراسانی بیشترین شکوه را آفریده، در ادبیات سده‌های اخیر نیز در برخی از جنبه‌های رفتارها و گفتارهای اجتماعی و ادبی، تجلی داشته است. در سال‌های اخیر، حماسه به شکل‌های گوناگون معرفی شده است و در تعریفی جدید می‌شود آن را با اصولی دیگر معرفی کرد. در این مقاله سعی شده است با معرفی و تحلیل رویدادهای تأثیرگذار فرهنگی و سیاسی به همراه بررسی آثار شاخص ادبی، در دوران چهار شاه اول سلسله قاجار (آغامحمدخان، فتحعلی شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه)، لحن و نمود کلی حماسه در جامعه ایرانی سال‌های (۱۲۰۹ تا ۱۳۱۳ ق) بررسی شود. بر این اساس، در مقدمه مقاله، تعریفی کلی و متفاوت از حماسه ارائه شده است و جلوه‌های ممکن حماسه معرفی شده و پس از آن، لحن حماسی در رفتار شاهان و جامعه ایرانی این دوره تحلیل و در بخش دوم به صورت مختصر، جنبه‌های گوناگون ظهور حماسه در ادبیات دوره یاد شده، معرفی شده است. نتایج نشان می‌دهد که در این دوران، با توجه به شکست‌های سیاسی در جنگ‌ها و همچنین در مواجهه با دولت‌های استعمارگر، لحن سیاست‌مداران و بیانیه‌های حکومتی عمدتاً محافظه‌کارانه و غیرحماسی است و در عوض، لحن حماسی ایرانی به جنبش‌های مردمی و ادبیات مذهبی و بازگشتی منتقل شده است؛ هرچند در بسیاری از آثار ادبی، از جمله تعزیه‌ها و آثار عاشورایی، نوعی عرفان‌گرایی و توکل‌محوری و رضامندی، جایگزین نگاه حماسی شده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات حماسی، لحن حماسی، ادبیات قاجار، جنگ ایران و روسیه، نهضت تنباکو، شعر عاشورایی

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، ایران.

۱. مقدمه و بیان مسئله

ادبیات حماسی یکی از انواع اصلی و جهانی است که از آغاز پیدایش نقد ادبی و حتی پیش از آن، رواج داشته است. حماسه، متناسب با شرایط زیستی، نژادی و فردی اقوام مختلف، چه در ادبیات و چه در رفتارهای اجتماعی، بروز و نمود داشته؛ با این تفاوت که در ادبیات برخی ملل چون ایران، یونان، هند و ساکنان بین‌النهرین، بیش از دیگران، منعکس شده است.

حماسه که بیشتر در قالب شعر شناخته شده، در سیر تحولی خود تعریف‌هایی گوناگون دارد. براساس تعریفی کلی از شعر حماسی می‌توان گفت که «شعری است داستانی و روایی با زمینه قهرمانی و صبغه اساطیری، قومی و ملی که حوادثی بیرون از حدود عادت در آن جریان دارد و یا به وقایع تاریخی می‌پردازد که به هیچ‌وجه ساخته و پرداخته ذهن شاعر نیست». (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۳۷۷) بیشتر منتقدان «شاعرانگی و رفتارهای قومی و پهلوانی» را از زیرساخت‌های حماسه دانسته‌اند. از این نظر «حماسه نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد، به نحوی که شامل مظاهر مختلف آنان گردد». (صفا، ۱۳۷۴: ۲۴)

ظهور و دامنه حماسه‌ها می‌تواند متنوع و پرحاشیه‌تر باشد. با در نظر گرفتن نگاه ویژه‌ای که در آثار حماسی دیده می‌شود، می‌توان گفت که «اسطوره و درگیری‌های حماسه به‌طور معمول پیامد رویارویی آدمی با جهان روزگار و پیرامون او، نیروهای ناشناخته طبیعت و یا با مردمان و اقوام دیگر بوده است. انگیزه‌های درگیری حماسی در ناتوانی آدمی در مقابله با طبیعت، ستیزهای قومی، کوشش مردمان برای دفاع از موقعیت، حیثیت و بقای اجتماعی جست‌وجو شده است». (عبادیان، ۱۳۷۹: ۲۷) حماسه روایت‌گر تلاش جمعی بشر در پیروزی بر جبر تاریخ و محیط و تلاشی است برای رسیدن به آرمان‌ها و شکوهی فرازمانی یا آرزوهای جمعی سرکوب‌شده. با نگاهی عام می‌توان جز گذشته یک قوم و ملت، حال او را نیز در حماسه‌ها یافت و این خلاف نظر منتقدانی است که حماسه را محدود به برهه‌ای تاریخی می‌دانند و برخی در تعریفی محدودتر معتقدند،

حماسه‌های اصیل آثاری هستند که در زمان چند خدایی جوامع نخستین ساخته شده‌اند و بر این اساس «ایلیاد و ادیسه» که در آن تصرف خدایان دیده می‌شود حماسه است و شاهنامه فردوسی نه.

از منظری دیگر می‌توان گفت که «حماسه جای دقیق خود را در تاریخ دارد. شاعر حماسی تنها نیست. او در حلقه (دایره) شنوندگان (و خوانندگان) خود قرار دارد و داستان‌های خود را برای آنان تعریف (حکایت) می‌کند. او آنها را آن‌گونه روایت می‌کند که خود رویدادهای نامبرده را متصور شده است». (عبادیان، ۱۳۷۹: ۳۸) در سرائش حماسه‌ها و توصیف آنها شاعر خود را و سلیقه فردی‌اش را کنار می‌نهد و این سلیقه عقلی (برآمده از عقل جمعی نه فردی، عقل کل نه جزء) اوست که حماسه را بیان می‌کند. از این منظر بهترین روش برای توصیف اندیشه‌های عقل جمعی، زبان و بیانی کاملاً رسمی، ملی و جمع‌گرا است. این همان مرز جدایی ادب «حماسی» از «غنائی» است که دیگر منتقدان نیز بر آن صحنه گذارده‌اند: «در یک منظومه حماسی، شاعر هیچ‌گاه عواطف شخصی خویش را در اصل داستان وارد نمی‌کند و آن را به پیروی از امیال خویش تغییر نمی‌دهد و به شکلی تازه چنان که خود بپسندد یا معاصران او بخواهند در نمی‌آورد» (صفا، ۱۳۷۴: ۲۵).

در سیر ادبیات حماسی، آنچه در این مقاله از حماسه مد نظر بوده؛ چیزی فراتر و عام‌تر از تعریف‌های گذشته است. براساس نظر این پژوهش، هر انسانی - چه با نگاه فردی و چه جمعی - و در هر زمان و مکان و با هر لحن و زبان، جنبه‌ای از حماسه را به تصویر می‌کشد و حاصل آن در حیات جمعی و ملی متبلور می‌شود. از این دیدگاه، حماسه در ادبیات و به‌موازات آن جامعه و رویدادهای سیاسی-اجتماعی، گاه پیوسته و گاه متناوب ظهور دارد. حماسه در اوج حضور و ظهور خود در یک فرهنگ، هم در ادبیات شکل می‌گیرد و هم در جامعه و این نمود، گاه رابطه‌ای مستقیم و گاه بالعکس دارد. در این وضعیت هر یک از این دو نوع بروز و شکل‌هایی مکمل هم دارد و عملاً «حماسه» شکلی عینی و در کنار آن ادبی می‌یابد. در بدترین شرایط نیز حماسه درونی و ذهنی و فردگرا می‌شود. در این وضعیت، افراد جامعه بی‌آن که در عمل رفتاری

- ۲- سیر کلی بازنمود حماسه و شیوه‌های آن در دوران قاجار چگونه است؟
- ۳- رابطه ادبیات و گفتارها و رفتارهای اجتماعی سیاستمداران و مردم، در انعکاس حماسه چیست؟

۲. شیوه‌های ظهور حماسه و زمینه‌های سازنده آن

با توجه به تعریف خاص این مقاله از ادبیات حماسی و لحن آن، پیش از بررسی نمونه‌ها، لازم است تصور این پژوهش را، از حضور حماسه در جامعه و ادبیات و شیوه‌های مختلف نمود آن را معرفی کرد. در رفتار یک جامعه ملی (وگاه در برخی قوم‌ها و جامعه‌های کوچک‌تر)، می‌توان انعکاس حماسه را به شیوه‌های مختلف زیر دید. (همچنین بنگرید به مرادی، ۱۴۰۰: ۲۷ تا ۳۱)

۲.۱. نمود بیرونی و شکلی حماسه

در بسیاری از فرهنگ‌ها، می‌توان نمود حماسه را به صورتی رفتاری و بیرونی دید. مهم‌ترین شیوه بیرونی رواج حماسه در جامعه، بروز آن در بین مردم و نمود آن در کنش‌ها و واکنش‌های آنان است؛ از جمله:

- حضور حماسی در جنگ‌های و مقاومت در برابر نیروهای خارجی: در این شرایط «مای» قومی گسترده است و حماسه در جامعه تجلی بیشتری دارد.
- رخ دادن جنگ‌های داخلی و آزادی‌طلبانه در قلمرو یک ملت. در این موارد میزان حماسگی به علت محدود شدن «مای» ملی، کاهش می‌یابد.
- برپایی نهضت‌ها و انقلاب‌های داخلی چه به صورت ایدئولوژیک و چه در مقابل حکومت‌ها.
- مبارزه با استعمار و استکبار و هجوم پنهان.
- جدال‌های قومی و ایلی (ظرفیت حماسی در این گونه کاهش یافته است).
- جدال‌های شخصی و سودمندانه که این گونه به نگاهی غنایی نزدیک‌تر است.

۲.۲. حضور نمادین حماسه در جامعه

گاه کنش‌های حماسی رایج در اجتماع عینی، اما

حماسی داشته باشند، با پرهیز از مکتوب کردن حماسه‌ها و یادآوری حماسه‌های گذشته، تنها در درون خود ردی کمرنگ از آن را زنده می‌دارند. در این شرایط، حماسه به شکل پرخاش‌های شخصی و فردی در رفتار انسان‌ها دیده می‌شود و در وضع ضعیف‌تر آن، همراه با نوعی افسردگی و سرخوردگی حاصل از شکست‌های فردی یا قومی و خمود و جبرگرایی شدید، اوج احساس‌گرایی غنایی را در شخص، جامعه و ادبیات شکل می‌دهد (این نقطه نزول را می‌توان به‌طور ویژه در فرهنگ، ادبیات و جامعه عصر مغول به‌ویژه قرن‌های ۷ و ۸ دید).

در این مقاله، با مطالعه بخشی از ادبیات و تاریخ ایران، رد و نشانه‌های کلی نمود حماسه و لحن کلی جامعه ایرانی از آغاز حکومت آغامحمدخان تا پایان کار ناصرالدین‌شاه (۱۲۰۹-۱۳۱۳ ه.ق / ۱۱۷۴-۱۲۷۶ ش) بررسی شده است. همچنین با تحلیل رویدادها و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی بروز حماسه، ادبیات این عصر و لحن کلی ورود حماسه در آن ترسیم شده است.

۱.۱. پیشینه پژوهش

درباره ادبیات قاجار و آثار حماسی خلق شده در این دوران تحقیقات گوناگونی انجام شده است. از جمله صفا (۱۳۷۴) ضمن معرفی مهم‌ترین حماسه‌های تاریخی و شیعی، وضعیت این گونه را در دوران قاجار بررسی کرده است. همچنین خاتمی (۱۳۷۳) در خلال معرفی شاعران دوران بازگشت و آثار آن، جایگاه حماسی‌سرایان این دوره را تحلیل و وضعیت این گونه حماسی را بررسی کرده است. در اغلب پژوهش‌های یادشده دیگر نیز محققانی چون آرین‌پور و زرقانی و دیگران، با تکیه بر جنبه‌های تاریخی ادبیاتی یا انواع ادبی، شعر حماسی و آثار این دوران را بررسی کرده‌اند و تاکنون، هیچ‌یک از پژوهشگران بر نمودهای سیاسی و اجتماعی حماسه در این دوران و در بیانیه‌ها و کلام و رفتار شاهان و اعیان حکومت متمرکز نشده و پیوند آن را با ادبیات و در نگاهی کلی ترسیم نکرده است.

۲.۱. سؤالات تحقیق

۱. شیوه‌های انعکاس حماسه در جامعه چگونه است؟

از آنجا که در ادبیات و در پیوند آن هنر، حماسه ویژگی‌هایی مشترک و نزدیک به هم دارد، برخی از ویژگی‌های حماسه‌های ادبی را برمی‌شمیریم. بر اساس تعریف‌های ذکر شده، در یک نگاه کلی ویژگی و گونه‌های حماسه را در ادبیات، می‌توان این‌گونه بررسی کرد:

۱. حماسه جنبه داستانی و روایی دارد؛ یعنی می‌توان آن را به صورت داستان روایت کرد.
۲. حماسه جنبه تاریخی، اسطوره‌ای، قهرمانی یا مذهبی دارد و از افراد فوق‌العاده و قهرمانانی ویژه سخن می‌گوید.
۳. محور حوادث حماسی عمدتاً مسایل دینی و تاریخی و ملی و اسطوره‌ای است.
۴. حماسه در ظاهر از وقایع روزمره دور است؛ ولی با مسایل روزمره اشتراک دارد و قابل تطبیق با همه رفتارها، ارزش‌ها و رویدادهای تاریخ زندگی بشر است.
۵. معمولاً وحدت مفهومی در داستان حماسه‌ها و در زمان و مکان آنها دیده می‌شود.
۶. گاه در بسیاری از ادبیات‌ها می‌توان وزنی خاص و حتی شکلی از پیش تعیین شده برای حماسه‌ها برشمرد. (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۳۳۷)

۲.۳. ۱. سطوح شکل‌گیری حماسه ادبی

ادبیات بیشترین سهم مستند را در ظهور فرهنگی - هنری حماسه دارد. می‌توان، سطوح مختلف حماسه‌گرایی را در آثار ادبی این‌گونه تقسیم کرد:

۲. ۳. ۱. ۱. سطح اول: در این مرحله، حماسه‌های ملی - اسطوره‌ای و پهلوانی قرار دارند که بیشترین ویژگی لفظی و معنایی حماسه‌های اصیل را دارند.
۲. ۳. ۱. ۲. سطح دوم: حماسه‌های دینی و تاریخی که نگاه حماسی و ملی در آنها کاهش یافته و از نظر ادبی نیز ویژگی‌های حماسی کمتری دارند؛ اما عناصر پایداری در آنها پررنگی دارد.

۲. ۳. ۱. ۳. سطح سوم: آثار حماسی - غنایی، در این‌گونه آثار معمولاً نگاه، فردی و احساسی است؛ ولی جنبه یا جنبه‌هایی از ادبیات حماسی در آنها حضور دارد. گاه نیز نگاه حماسی و جمعی است؛ ولی زبان و وسایل ادبی در آنها غنایی است.

غیرفیزیکی‌اند و در آنها نشانی از اصطکاک‌های حماسی نیست. این‌گونه از حماسه‌ها را می‌توان به شیوه‌هایی مختلف در یک جامعه دید:

- نمادها و نموده‌های نظامی: برپایی رزمایش‌های نظامی و برپایی جنگ‌های سرد و بسیج‌های مردمی، تقویت نیروهای نظامی. همچنین در پیوند با این‌نوع، می‌توان پرچم کشور، سرودهای ملی نظامی، وجود نیروهای متعدد، لباس نظامی و تجهیزات موجود و... را نماد میزان تمایل کشور به حماسی‌گری دانست.

- عزاداری در سوگ مظلوم و ظلم‌ستیزی: این شیوه، نمادهایی برای ابراز نگاه حماسی دارد. نمادها و شیوه‌هایی چون: برپایی تعزیه‌ها و سوگ سیاوشان و...، برپایی هیأت‌های عزاداری که در آنها طبل، سنج، سینه‌زنی، زنجیر، نوحه، علم، خواندن زیارات، دست قطع‌شده، قمه‌زنی، پارچه‌نوشته‌ها و پارچه‌های سوگ هرکدام نمادی از یک بخش مبارزه در حماسه‌اند و حتی رنگ آنها نیز می‌تواند در میزان بروز حماسه مؤثر باشد. این‌گونه نماد - حماسه‌ها در جشن‌های ملی - مذهبی نیز دیده می‌شود. برای مثال جشن‌هایی چون شب یلدا به مناسبت پیروزی نور بر ظلمت و... و

- ورزش‌ها: بسیاری از ورزش‌ها نمادهایی از حماسه‌اند. در میان ورزش‌ها نیز، ورزش‌های رزمی عنصر حماسه بیشتری دارند؛ به‌ویژه ورزش‌هایی چون: ورزش‌های زورخانه‌ای که در آن سرودها و میل و تنبک و... هر یک نمادی از یک پدیده جنگی و حماسی‌اند.

- میتینگ‌ها، انتخابات و راهپیمایی‌ها و دیگر مبارزات سیاسی که می‌توان آنها را در چارچوب حضور فرهنگی حماسه‌ها نیز معرفی کرد.

۲.۳. ۲. حضور ادبی و فرهنگی حماسه

حماسه و پایداری به شیوه‌های مختلف در قالب فرهنگ هنر نیز نمود دارد. از آن جمله است:

۱. ادبیات و هنر (سینما، تئاتر، موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی و...)، ۲. روزنامه‌ها، ۳. رسانه‌های صوتی و تصویری، ۴. اعلامیه‌ها، ۵. شعارها، ۶. سخنرانی‌ها، ۷. واکنش‌ها و کلام‌های سیاسی.

۲.۳.۲. ویژگی‌های کلی آثار حماسی - ادبی

برای قضاوت بهتر درباره میزان حماسگی یک اثر ادبی، ویژگی‌های حماسه‌ها را در چند دسته معرفی می‌کنیم:

۱. ۲. ۳. ۲. **ویژگی‌های اصلی حماسه‌ها:** هر اثر حماسی دسته اول باید به میزان قابل توجه چهار ویژگی زیر را داشته باشد:

۱. جنبه ملی یا مذهبی، ۲. جنبه قهرمانی و پهلوانی، ۳. جنبه خرق عادت، ۴. جنبه داستانی یا روایی.

۲.۳.۲. ویژگی‌های اندیشگانی حماسه‌ها:

۱. حماسه جمع‌گراست نه فردگرا.
۲. حماسه خردگراست نه احساس‌گرا (خرد جمعی نه فردی).

۲.۳.۲. ویژگی‌های ادبی در حماسه‌ها:

۱. وزن: وزن و موسیقی در حماسه‌ها معمولاً خاص است، از آن جمله است:

- وزن «فعولن فعولن فعولن فعل (فعول)» در بحر مقارب که وزن شاهنامه، گرشاسب‌نامه و اغلب آثار درجه اول حماسی فارسی در ادبیات کهن (چه حماسه‌های ملی و چه دینی و تاریخی) است.

- وزن‌هایی از بحر رمل که گاه کاربرد حماسی دارند. از مهم‌ترین این اوزان است: وزن‌های ساخته‌شده از رکن «فاعلاتن» چه در بحرطویل‌های عاشورایی، چه در برخی شعرهای نیمایی مبارزه‌طلبانه؛ همچنین رکن «فاعلاتن» که در بازسازی حماسه‌های معاصر چون حماسه آرش سیاوش کسری و خان هشتم اخوان ثالث کاربرد یافته است.

- در بحر رجز نیز کاربردهایی حماسی می‌توان دید. رکن‌های «مفتعلن» و «مستفععلن» در غزل‌های عارفانه‌ای که زبان و لحن حماسی دارند (حماسه‌های عرفانی مثل غزل‌های شمس و بسیاری از غزل‌های انقلاب چون شعرهای نصرالله مردانی) کاربرد فراوان دارد. در مثنوی‌های حماسی پس از انقلاب هم به‌ویژه در آثار محمدعلی معلم و حمید سبزواری وزن «مستفععلن مستفععلن مستفععلن فع» کاربردی متناسب با لحن حماسی و مفهوم پایداری یافته است.

۲. زبان: زبان شعر حماسی نیز آنچنان که ارسطو نیز در فن

شعر می‌گوید باید موجز، استوار و کوتاه شده باشد (تبدیل واژه‌های بلند به کوتاه مثلاً کوهسار به کهسار). همچنین واژه‌ها می‌تواند کهن، خشن و سره باشند. دستور کهنگی دارد، واژه‌های متناسب حماسی نیز در زبان فراوانی دارد و از آرکائیسیم نیز به صورتی متناسب در این سروده‌ها استفاده می‌شود. شاعران حماسی خود را به زبان عهد خردگرایی نزدیک می‌کنند، زبانی که واژه‌های آن علاوه بر ملی بودن به علت گذشت زمان توسط اغلب افراد جامعه نیز پذیرفته شده باشد.

۳. صور خیال: بحث درباره صور خیال در آثار حماسی نیازمند مجالی گسترده است. به‌طورکلی می‌توان گفت که در آثار حماسی مشابه و مشابه‌ها معمولاً متناسب با حماسه و مبارزه و جنگ انتخاب می‌شوند. شاعر در توصیف دقیق و حماسی تصاویر نیز دقت می‌کند. همچنین اغراق و غلو در تصاویر و رفتار قهرمانان کاربرد دارد. توصیف جنگ‌ها، جنگ‌ورزی و اندام قهرمانان نیز از دیگر اصول صور خیال در حماسه است.

۳. نشانه‌های نمود حماسه در دوران قاجار

بررسی همه جلوه‌های حماسه در این دوره تقریباً صد ساله ممکن نیست؛ باین حال به‌طور گذرا برخی از نمودهای حماسه را در حکومت چهار شاه اول سلسله قاجار آغامحمدخان (۱۲۰۹ تا ۱۲۱۲)، فتح‌علی‌شاه (۱۲۱۲ تا ۱۲۵۲)، محمدشاه (۱۲۵۲ تا ۱۲۶۴) و ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) تحلیل می‌کنیم.

۱.۳.۱. نمود بیرونی حماسه

در این دوره، حماسه تجلیات بیرونی متنوعی دارد که بیش از همه در جنگ‌های خارجی و داخلی، مبارزات ضداستعماری و رفتار متقابل شاه و ملت دیده می‌شود. در ادامه برخی از این نموده‌ها بررسی شده است.

۱.۱.۱. حماسه در رفتار رجال عهد قاجار

انسان‌ها براساس نوع شخصیتی که دارند، می‌توانند حماسی یا غنایی یا ترکیبی از این دو باشند. برخی افراد با روحیه حماسی واضح، هم «رفتار» و هم «گفتاری»

حماسی دانست. او پادشاهی گاه خودرأی و خیره‌سر است و این ویژگی، گاه از او چهره‌ای حماسی می‌سازد که در لشکرکشی‌اش به افغانستان دیده می‌شود. باین حال توجهش به عرفان و تساهلات مذهبی و پرهیز از جنگ، ازو شخصیتی کمتر حماسی ساخته است.

ناصرالدین‌شاه نیز که ۵۰ سال شاهنشاهی او بیانگر رویکرد مدارا طلب و صلح‌جویانه اوست، «غنایی»‌ترین و احساساتی‌ترین شاه قاجار است. علاقه او به شعر و شاعری و تئاتر و نقاشی، حرم و زنان و عشق او به زنان چشم‌آبی فرانسوی، تمایلش به سفرهای اروپایی، موضع انفعالی او در برابر دولت‌های انگلیس و روسیه و شکست او در قطعنامه پاریس و همچنین عدم قاطعیتش در نهضت تنباکو او را به غیرحماسی‌ترین شاه قاجار پیش از مشروطه، تبدیل کرده است. شخصیتی که در دوران بعد، در احمدشاه باز نمود می‌یابد. شخصیت غنایی ناصرالدین‌شاه در نامه‌ها و نوشته‌هایش نیز مشهود است. شاید به همین دلیل است که امیرکبیر را که نسبت به او رفتاری حماسی دارد بر نمی‌تابد و فرمان قتلش را صادر می‌کند.

رفتار شاه قاجار به قدری غیرحماسی است که در زمان اعطای امتیاز رژی، بوتزوف وزیر مختار روسیه او را تهدید می‌کند: «...میل دارم اعلی حضرت بدانند که اگر شرایط امتیازهایی که ممکن است در عوض رژی بدهند، همانند این انحصار تام به حیثیت و اقتدار دولت ایران لطمه بزنند، به یقین دولت روس در برابر طمع تازه انگلستان بی‌طرف نخواهد ماند که بگذارد امتیازنامه جدیدی داده شود» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۷۹). در نهضت تنباکو و در مقابل تهدیدهای دول متخاصم نیز عکس‌العمل شاه عاجزانه است. دوبالوآ در این موضوع می‌گوید: «ناصرالدین‌شاه به عباراتی هرچه عاجزانه‌تر به خط خود، نامه‌ای به امپراتور روس نوشته و از او تقاضا کرده است که بر وی رحم کند و وی را مشمول فتوت و بزرگواری خود قرار داده، کمک کند تا از وضع ناگواری که انگلیس‌ها برایش فراهم آورده‌اند، خلاصی یابد.» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۷۹).

مواضع حماسی ناصرالدین‌شاه به‌ندرت در مواجهه با مردم صورت گرفته، از جمله دو نامه‌ای که در اثنای جنبش تنباکو برای مردم اصفهان می‌نویسد. نخستین نامه، کمی

حماسی دارند؛ انسان‌هایی نیز که بیشتر جنبه غنایی دارند، چه در «رفتار» و چه در «گفتار» غیرحماسی‌اند. از آنجاکه چگونگی شخصیت‌های سیاسی در این دوران می‌تواند بر روحیه جمعی ایرانیان، مؤثر باشد در ادامه بشخصیت رجال قاجار را از منظر نگاه حماسه‌ورزانه بررسی می‌کنیم.

۱.۱.۱.۳. شاهان قاجار

این دوران هیچ‌یک از شاهان قاجار چون آغامحمدخان در رفتار بیرونی خود حماسه‌ورزی نکرده است. او به علت بیماری‌اش، تمایلی آشکار به زنان ندارد و این ویژگی روان‌شناسانه، او را از فضایی غنایی به بستری حماسی و پرخاش‌گرانه سوق داده است. پرخاشگری او که در قتل پدرش در نبرد کریم‌خان و دوران گروگان‌بودنش ریشه دارد، در جنگ‌های او با خاندان زند و قتل عام‌های کرمان و فارس و پس از تاجگذاری، لشکرکشی به گرجستان و کشتار مشهور تفلیس به‌وضوح نمود دارد. البته آغا محمدخان بیشتر رفتاری بیرونی و جنگ‌طلبانه به حماسه دارد و به علت روحیه انزواطلبش، چندان اهل سخنوری‌های حماسی نیست.

فتحعلی‌شاه که دوران حکومت طولانی‌اش، می‌تواند بیانگر روحیه مدارا طلبانه او باشد، دومین پادشاه این دوره است که هرچند دوران او از نظر تعدد نمودهای حماسه‌های بیرونی و فرهنگی و ادبی، درخشان‌ترین دوره قاجار است، از منظر شخصیت فردی چندان حماسی نیست. جوان‌سالی او در آغاز حکومت و پرورش‌یافتنش در فضایی احساسی و همراهی دایم با زنان و گسترش حرمسرا، او را شاهی بیشتر غنایی و نه حماسی کرده است. با این تفاوت که به‌ندرت (به‌ویژه در نیمه نخست پادشاهی) رفتارهایی حماسی از او دیده می‌شود که برخی را در تمایل او به جنگ ایران و روس می‌بینیم؛ اگرچه خود هیچ‌گاه چون آغامحمدخان در جبهه جنگ، حضور نداشته و تمایل دارد که در عرصه زبان حماسه‌گری کند. توجه او به زبان حماسی یکی از علل گسترش منظومه‌های حماسی و نمود حماسه در مکاتبات سلطانی این عصر است.

دوران کوتاه محمدشاه آن‌قدر از نظر زمانی و در نتیجه تعدد وقایع گسترده نیست که بتوان آن را دوره‌ای

نظامی و فنی ایرانیان برای مبارزه با نیروهای استعمارگر است. بسیاری از رشته‌های دارالفنون نیز، جنبه حماسی و مبارزاتی داشتند از جمله: پیاده‌نظام و فرماندهی، توپخانه، سواره‌نظام، مهندسی، ریاضیات، نقشه‌کشی و... (ورهرام، ۱۳۶۹: ۱۸۵).

۳. ۱. ۲. حماسه در رفتارهای کلان حکومتی

مهم‌ترین رویدادهای حماسی در این دوران، جنگ‌های مستقیم ایران با کشورهای روسیه، عثمانی و... است. نخستین جلوه حماسی حیات ایرانیان در این دوره، حمله آغامحمدخان در تابستان ۱۷۹۴ م/ ۱۲۰۹ ق به گرجستان است. کشتار تفلیس اگرچه اقدامی ناخوشایند بود، شیوه تهاجمی خان قاجار را نشان می‌داد. این نگاه حماسی که به صورت قدرت‌طلبانه در خان قاجار بود، به مردم جامعه نیز رسوخ کرد تا جایی که تفاوت لحن حماسی مردم این دوره، در مقایسه با دوران محمدشاه و ناصرالدین‌شاه به‌خوبی مشهود است. نگاه حماسی آغامحمدخان، ادامه شیوه نادرشاه بود، شیوه‌ای که در برخی از سال‌های حکومت فتحعلی‌شاه نیز دیده می‌شود.

حمله آغامحمدخان به تفلیس در واکنش سرکشی هراکلیوس حاکم وقت گرجستان، آن‌چنان محکم و مقتدرانه بود که کلمنت مارکام در خاطراتش می‌نویسد: «آغامحمدخان فاتح وارد شهر تفلیس شدند و حکم به قتل اهل شهر نمودند و کشیش‌های عیسوی را به قتل رسانیدند و ۱۵۰۰۰ نفر زن و بچه گرفتند و به کنیزی و غلامی فروختند.» (مارکام، ۱۳۶۴: ۲۹) چهره مبارزه‌جوی آغامحمدخان پس از فتح تفلیس در سرکوب اغتشاشات داخلی و لشکرکشی به مشهد دیده می‌شود. نتیجه لشکرکشی به مشهد تسخیر گرجستان توسط سپاه کاترین کبیر است که به دلیل شخصیت سازش‌ناپذیر خان قاجار، به لشکرکشی مجدد او به گرجستان و قتلش در سال ۱۲۱۲ ق می‌انجامد. (ورهرام، ۱۳۶۹: ۴۹)

پرجلوه‌ترین دوره حماسی ایرانیان، در زمان دهه‌های نخست حکومت فتحعلی‌شاه رخ می‌نماید. اگرچه او به ضرورت سن کم (در آغاز حکومت) و رفتار محافظه‌کارانه‌اش، پادشاهی چندان حماسی نیست؛ از نظر تنوع و تکرار وقایع

لحن تنندی دارد؛ ولی در نامه دوم لحن آمرانه‌تری گرفته است: «دست‌خط قبلی را به تمام اهالی شهر اصفهان حالی کرده، نشان بدهید که از حکم ما و عقیده ما اطلاع پیدا کنند؛ البته راجع به ملایان هم تلگرافی فرستاده شد... اما اگر معترضان دست از عصیان برنداشتند، تدبیر دولت این بود. هر قدر قشون از هر جنس از سواره، پیاده، توپخانه، قزاق‌خانه، بخواهد برای تنبیه اشرار و الواط فوراً به عرض برسائید، فوراً فرستاده شود و سیاست و تنبیهی از اشرار و الواط باید بکنید که سال‌های دراز یادگار بماند» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۸۴).

۳. ۱. ۲. دیگر رجال

از شاهزادگان قاجار، عباس‌میرزا، از حماسی‌ترین چهره‌هاست. نگاه حماسی او را میتوان از دو منظر فکری و رفتاری پیگیری کرد. از منظر فکری، در زمان او نخستین پایه‌های استعمارستیزی با اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا شکل گرفت. جسارت او در اندیشیدن به مسیر پیشرفت بسیار تأثیرگذار بود؛ اما مهم‌ترین جلوه‌های حماسی شخصیت عباس‌میرزا در جنگ ایران و روسیه دیده می‌شود. در سال ۱۲۲۳ ه.ق. او روس‌ها را در ایروان با تلفاتی سنگین مجبور به عقب‌نشینی کرد. (ورهرام، ۱۳۶۹: ۵۲) او سال‌ها در جنگ حضور داشته و بارها شکست و پیروزی را تجربه کرده است. قائم مقام فراهانی هم از دیگر رجال است که باوجود نگاه محافظه‌کار، اندکی حماسی می‌اندیشد. برای نمونه جرات و جسارت او را در سال ۱۲۴۲ ق در پاسخ به فتحعلی‌شاه، می‌توان دید (ر.ک. خاتمی، ۱۳۷۳: ۸۲).

در رجال و وزرای قاجار چه در اندیشه، چه در گفتار و چه در رفتار، حماسی‌ترین شخص، میرزا محمدتقی‌خان امیرکبیر است. او در سرکوب نهضت باب، قاطعانه عمل می‌کند (ورهرام، ۱۳۶۹: ۶۴)، نفوذ زنان حرم‌سرا، خوابگاهان و شاهزادگان را محدود می‌کند و در برخورد با کشورهای روسیه و انگلیس و سفرایشان، رفتاری قاطعانه دارد. او حتی روس‌ها را که پس از عزلش، برای حمایت از او آمده‌اند، با تهدید از خود می‌راند (مارکام، ۱۳۶۴: ۱۴۴). از دیگر کارهای او که رد حماسه در آن دیده می‌شود، تأسیس دارالفنون است. دارالفنون مرکز توانمندسازی علمی و

جبران نشد. حتی حمله محمدشاه به هرات و به تحریک روس‌ها برای جنگ با کامران میزرا، پیامد شکست از روسیه را جبران نکرد. مقدمه این اقدام، لشکرکشی محمد شاه در سال ۱۲۵۲ق به خراسان و جنگ با ترکمانان بود. در نهایت پس از محاصره هرات در پاییز ۱۲۵۳ق و با تهدید انگلیسی‌ها به قطع روابط و همچنین تسخیر جزیره خارک در ۱۲۵۴ه.ق. شاه مجبور شد پس از چند حمله بی‌اثر، دست از محاصره هرات بردارد. (ورهرام، ۱۳۶۹: ۸-۵۷) هم‌زمان با افول وحدت ملی، قیام حسین‌علی‌شاه (داماد شاه) و پیشوای فرقه اسماعیلیه و تصرف کرمان و سکون و قیام مجدد در سال ۱۲۵۶ق و تصرف مجدد کرمان و گریختن او به هندوستان نیز لحن جامعه را غنایی‌تر کرد. (ورهرام، ۱۳۶۹: ۵۹) در این سال‌ها، جنگ‌های فرسایشی با عثمانی هم نتوانست، روحیه حماسی جامعه را باز گرداند؛ هرچند پس از قتل زائران ایرانی در سال ۱۲۵۸ ق، دولت عثمانی پس از عذرخواهی به پرداخت غرامت راضی شد. (ورهرام، ۱۳۶۹: ۶۰)

در نگاهی کلی می‌توان گفت که در ۶۰ سال ابتدایی دوران قاجار، به علت افول شخصیت حماسی شاهان، نموده‌های بیرونی حماسه نیز در جامعه ایرانی به‌مرور کاهش می‌یابد. در زمان ناصرالدین‌شاه، ایران در برابر جنگ روسیه و عثمانی بی‌طرف می‌ماند. برقراری معاهده صلح ارزنه‌الروم بین ایران [و امپراتوری عثمانی] ۱۲۶۳ ق. نیز تمایل ایران را به سازگاری نشان می‌دهد. در این دوران موضوع افغانستان نیز نتوانست، روحیه حماسی شاه قاجار را برانگیزاند. انگلیس پس از اعلان جنگ بار دیگر جزیره خارک را تصرف کرد و بعد از پیاده شدن قوای انگلیس در خشکی، بوشهر را نیز تسخیر کرد و در نتیجه در تاریخ ۷ رجب ۱۲۷۳/۴ مارس ۱۸۵۷ (۱۲۳۵ش) معاهده پاریس منعقد و ایران متعهد شد در امور کشور افغانستان مداخله نکند و از کلیه ادعاهای خود در هرات نیز صرف نظر نماید (ورهرام، ۱۳۶۹: ۶۳).

۳.۱.۳. نگاه حماسی مردم

در ابتدای حکومت قاجار که شاه و حکومت، جامعه را به سمت رفتارهای حماسی پیش می‌برند، مردم و جامعه

حماسی در دورانش و همسویی رجال و روحانیان و ادیبان و مردم با او در جنگ‌ها، یکی از حماسی‌ترین اعصار را شکل داده است. در این دوران، مهم‌ترین جلوه بیرونی حماسه در جنگ‌های طولانی و فرسایشی ایران و روسیه شکل گرفت. «در زمستان ۱۲۱۶ ق/ ۱۸۰۱م روسیه، رسماً گرجستان را ضمیمه خاک خود کرد و چهارسال بعد از اعلان جنگ به ایران، شهرهای دربند و باکو را مجدداً محاصره و متعاقب آن شروع به بسط متصرفات خود در خاک ایران کرد.» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۵۱) در این جنگ‌ها که طول مفید آنها حداقل ده سال بود؛ اوج نمود عینی و بیرونی حماسه را در جامعه ایرانی می‌بینیم. صدور فتوای جهاد از علمایی چون آیت‌الله سیدعلی طباطبایی و ملا احمد نراقی...، تاحدودی روحیه حماسی مردم ایران را برانگیخت؛ هرچند خیانت‌های داخلی و خارجی، شکست مجدد ایران را در پی داشت و به عهدنامه گلستان و ترکمن‌چای و تبعات ناگوار پس از آن انجامید (ر.ک. مارکام، ۱۳۶۴: ۴۸-۶۴)؛ هرچند همین نکته سبب شد، حکومت و جامعه ایرانی برای جبران شکست‌های خود به معتدلات ادبی و جایگزینی چون منظومه‌ها و ادبیات عاشورایی و اعتراضی، برای جایگزین نگاه حماسی خود روی آورد.

از دیگر جدال‌ها و کشمکش‌های حماسی در این دوران، اختلافات و جنگ‌های جزئی ایران و عثمانی بود. در سال ۱۲۳۷ق به خاطر بدرفتاری عثمانی با زائران ایران در مکه، محمدعلی میرزا تا محاصره بغداد پیش رفت ولی در آن جا درگذشت. (مارکام، ۱۳۶۴: ۶۰) در ادامه، عباس‌میرزا نیز به قلمرو عثمانی لشکر کشید و شهر بایزید را گرفت. بین ایرانی و عثمانی جنگی شدید رخ داد و ایرانی‌ها پیروز شدند و ۲۵۰۰ سرباز عثمانی کشته شدند. (مارکام، ۱۳۶۴: ۶۱) در کل، دوران حکومت فتح‌علی‌شاه عرصه بروز جنگ‌های متعدد بود که اگرچه در ابتدا، برخی پیروزی‌ها، روحیه حماسه را در بین ایرانیان برانگیخت و باعث سرایش منظومه‌های حماسی-تاریخی به شیوه کهن شد؛ در پایان، سرخوردگی شکست، جامعه ایرانی را برای چنددهه وارد فضایی فردی، غم‌انگیز و غنایی و تزییه‌گرا و شبه عرفانی کرد.

در دوران محمدشاه نیز افول روحیه حماسی ایرانیان

وظیفه‌ای جز پیروی نمی‌بیند. تا پایان جنگ‌های ایران و روسیه، مردم و شاه، یک پیکان را به سمت نیروهای بیرونی شکل داده‌اند. در این دوره لحن کل جامعه یک‌سان است. پس از عهدنامه ترکمن‌چای و گلستان و برجسته‌شدن رویکرد فردی و محافظه‌کارانه حاکمان، کم‌کم دو قطب نگاه غیرحماسی و حماسی در جامعه ایرانی شکل می‌گیرد. نگاه سازشکارانه وارد دربار و حماسه به میان مردم جامعه منتقل می‌شود. نخستین جلوه این انتقال را در سال ۱۲۴۴ق در واقعه قتل گریبایدوف می‌بینیم. در این رویداد، جماعت معترض به محل اقامت گریبایدوف حمله کردند و او و همه روس‌ها را به قتل رساندند. (مارکام، ۱۳۶۴: ۶۷-۶۶) این حادثه از حماسی‌ترین جلوه‌های رفتاری دو قرن اخیر، در میان مردم ایران است.

در دوران ناصری هم مردم به‌ویژه هم‌زمان با نهضت تنباکو، جلوه‌ای حماسی بروز داده‌اند. بر اساس این امتیاز، در مارس ۱۸۹۰ (۱۲۸۹ق)، برای ۵۰ سال امتیاز توتون و تنباکوی ایران به رویتز داده شد. (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۶۶-۲۶۵) اعتراض روس‌ها در مقابل این امتیاز باعث شد به آنان نیز امتیاز شیلات شمال و تأسیس بانک روس داده شود. (ورهرام، ۱۳۶۹: ۶۴) نخستین اقدام حماسی در برابر این امتیاز، وعظ سیدعلی‌اکبر فال‌اسیری در شیراز بود که به دستگیری او در شوال ۱۳۰۸ ق و تبعیدش به عراق انجامید. «تبعید وی شور و حرارتی بیشتر به مردم بخشید.... در دهم شوال، علمای شیراز تلگرافی به دولت مخابره کرده و خواستار بازگشت سیدعلی‌اکبر شدند و انبوهی در شاه‌چراغ و تلگرافخانه... گردآمدند. شاهزاده والی به سربازان دستور داد که جمعیت را متفرق کنند و سربازان به روی آنان آتش گشودند و عده زیادی از آنها را کشتند» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۷۶).

پس از مدتی آرامی، تبریز که مرکز تجارت تنباکو بود قیام کرد. شرکت تنباکوی ایران اعلانی رسمی منتشر کرد و در پاسخ آن اعلانی بی‌امضا به دیوارهای شهر چسباندند که هرکس با کمپانی همکاری کند کشته می‌شود. لحن و زبان این پیام به قدری حماسی است که می‌توان آن را یکی از حماسی‌تری اعلان‌های سیاسی مردم ایران دانست: «علمای شهر! قانون، دین است و نه قانون اروپاییان!

وای بر کسانی که مال و جانشان را بر سر این کار نگذارند!... وای بر کسی که یک مثقال تنباکو به اروپاییان بفروشد! وای بر اروپاییانی که بخواهند رسوم کفار را بر ما تحمیل کنند! رماندخت اروپاییان را خواهیم کشت و بعد اموالشان را غارت خواهیم کرد.... وای بر آنان که ساکت بنشینند! ما این را در پاسخ اعلان آنها می‌نویسیم.» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۷۷-۲۷۶) در ادامه گسترش این ادبیات سیاسی، در هفتم محرم همین سال پیام تهدیدی دیگر به سفارتخانه‌های روس و عثمانی در تهران فرستاده شد: «ما اهالی تبریز، روز عاشورا کلیه فرنگی‌ها و عیسویان را می‌کشیم. راز حالا به شما اعلام می‌کنیم و دانسته باشید که این غیظ و خشم به جهت عمل رژی است و این که شاه مملکت را به فرنگی‌ها فروخته است.» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۷۷) در روز هفتم محرم، میرزا جوادآقا مجتهد تبریزی نیز در مسجد اعلام موضع می‌کند: «کفار برای دخالت در امر معاملات تنباکو به این‌جا آمده‌اند و هر مسلمانی هم که به آنها پیوسته باشد کافر و مهدورالدم (واجب‌القتل) است» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۷۷).

لحن و شیوه برخورد حماسی در رفتار اغلب مردم ایران، به‌ویژه در شهرهای تبریز، شیراز و پس از آن اصفهان دیده می‌شود. در نیمه صفر ۱۳۰۹ق. به رهبری آقا نجفی در اصفهان نیز اقدامات مخالف صورت می‌گیرد. زبان حاکم اصفهان در مواجهه با مردم، فخر فروشانه و حماسی است؛ اما مقام مردم از آن حماسی‌تر است. برخی از تجار اصفهان، تنباکوی خود را آتش زدند و دیگران به رهبری آقا نجفی و برادرش نهضت را علنی کردند. مردم در میدان مصلی جمع شدند و با انتشار اعلانیه‌ها و شعار دادن اعلام موضع کردند. علما همچنین کشت و استعمال توتون و تنباکو را در اصفهان حرام کردند.... ادوارد براون درباره اقدام حماسی یکی از تجاری که همه تنباکوهایش را آتش زد می‌نویسد: «علو طبع و دانش این تاجر میهن‌دوست را وصف کردن آسان نیست که چگونه با کمال متانت و آرامش بدون هیچ تظاهری برای مخالفت با انحصار، سرمایه‌مهمی را آتش زد و عملاً نشان داد که این شرکت برخلاف میل و مصلحت ایرانیان است و حکم پیشوایان مذهب برای عموم مسلمین حتمی‌الاجراست» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۸۳-۲۸۴). مجموعه رفتارهای مردم در برابر رژی، شاه را مجبور به عقب‌نشینی

از زمان تأسیس دارالفنون، مردمی شدن نثر و ادبیات، سرعت گرفت. با ورود انتقادهای مردمی و طنز به ادبیات، نویسندگانی چون ملک‌خان و اعتضادالسلطنه و دهخدا و... نثر را تا اوج سادگی آن پیش بردند. در این سال‌ها با آشنایی ایرانیان با تئاتر و نمایشنامه‌نویسی به سبک غربی و بعد با ترجمه آثار آخوندزاده و نوشته‌ها و ترجمه‌های آقاخان تبریزی و سعی‌های میرزا حبیب اصفهانی، نمایشنامه‌نویسی پا گرفت (ر.ک. آرین‌پور، ۱۳۵۴، ج ۱ و خاتمی، ۱۳۷۳ و بهار، ۱۳۸۴، ج ۳).

تنوع و تکرار موجود در ادبیات این دوره باعث شده که بررسی حضور حماسه در آن نیز تنوعی خاص بیابد. بر این اساس می‌توان حماسه را در ادبیات این دوره از منظرهای گوناگون سبکی و محتوایی بررسی کرد.

۳.۲.۱. منظومه‌های حماسی تاریخی

بر اساس شواهد موجود و نظر منتقدان و تاریخ‌نگاران ادبیات، «در دوره بازگشت حماسه‌های اساطیری و پهلوانی وجود ندارد؛ اما حماسه‌های تاریخی و دینی قابل توجهی تألیف شده است» (خاتمی، ۱۳۷۳: ۲۶۸). این دوران را باید دوران رواج منظومه‌های حماسی تاریخی و مذهبی دانست؛ هرچند کیفیت این آثار به اندازه کمیت آنها نیست. مشهورترین این آثار را می‌توان، به قرار زیر نام برد:

۱. **شهنشاه‌نامه فتحعلی خان صبا:** این منظومه از آثار دوران فتحعلی‌شاه است و به شرح جنگ‌های عباس‌میرزا با سپاهیان روس پرداخته و چهل هزار بیت دارد. (صفا، ۱۳۷۴: ۳۶۷-۳۶۶). زبان صبا از آنجاکه از آثار درجه اول حماسی پیروی کرده؛ از حماسی‌ترین آثار این دوره است. واژگان متناسب با محتوای حماسی استفاده شده، باستان‌گرایی در زبان و دستور کلام به‌خوبی نمود دارد و جزالت و استواری لحن و کلام که یکی از ویژگی‌های اصلی آثار حماسی درجه یک است، در آن دیده می‌شود. توجه صبا به شیوه بیان تصاویر حماسی، تا حدی است که برخی منتقدان عصرش، اثر او را بر شاهنامه فردوسی ترجیح داده‌اند. اگرچه کلیت منظومه صبا حماسی و کاملاً به شیوه خراسانی حماسه‌هاست، صبا گاه در این منظومه شیوه‌ای غنایی گرفته و این نکته در توصیف زنان شاه از

و اعلام تعلیق قرار داد می‌کند تا آن‌که در روز پنجشنبه اول جمادی الاول ۱۳۰۹ ق فتوای مشهور میرزا صادر می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است» (ورهرام، ۱۳۶۹: ۲۸۷).

۳.۲.۲. حماسه در فرهنگ و ادب جامعه

مهم‌ترین جلوه‌های نمود حماسه را در فرهنگ و ادبیات این دوره را به شرح زیر می‌توان تحلیل کرد.

۳.۲.۳. حماسه در شعر و ادبیات

آغامحمدخان چندان وقت توجه به شعر نداشت و در دوران کوتاه او، بروز بیرونی حماسه چندان مجالی برای بروز ادبی آن فراهم نساخت. در دوران طولانی حکومت فتحعلی‌شاه از آنجاکه او شاعر بود، انجمن‌های فعال در سبک بازگشت که پیش از این، در دوران افشاریه و زندیه، کمی رونق یافته بودند، به فعالیت خود شتاب دادند. انجمن نشاط به رهبری عبدالوهاب نشاط و انجمن خاقان به نظارت فتحعلی‌خان صبا رونق یافتند (ر.ک. آرین‌پور، ۱۳۵۴، ج ۱). از دیگر شاعران فعال این دوره می‌توان سید محمد سحاب، حسین طباطبایی اردستانی، مجمر، میرزا شفیق وصال را نام برد که هرکدام در پیشرفت این سبک سهمی شایسته داشتند.

سبک ادبی و شعری در زمان کوتاه محمدشاه و دوران ناصرالدین‌شاه نیز تقریباً همین گونه است. از شاعران این دوره نیز کسانی چون شهاب اصفهانی، فروغی، قانی، یغما و محمودخان ملک‌الشعرا، و در سال‌های بعد فتح‌الله شیبانی، صفای اصفهانی و میرزا حبیب خراسانی، هر یک در پیشبرد ادبی، سهمی درخشان داشتند. نثر نیز در ابتدای این دوره به شیوه منشیانه نوشته می‌شد. کسانی چون عبدالرزاق بیگ دنبلی و میرزا صادق همای مرزوی سبکی این گونه دارند؛ اما با ظهور کسانی چون قائم مقام و فاضل خان گروسی و بعدها عبداللطیف طسوجی نثر به سادگی گرایید. ترجمه آثار اروپایی و پیشرفت صنعت چاپ و روزنامه‌نگاری نیز به این سادگی سرعت بخشید و نویسندگان چون با مخاطب عام روبه‌رو بودند، بر سادگی هرچه بیشتر در نثر اصرار ورزیدند. در سال‌های نزدیک به مشروطه و

منظومه براساس غزوه‌های مختار بن ابوعبیده ثقفی به خونخواهی امام حسین^(ع) است و ۵۰۰۰ بیت دارد. (کافی، ۱۳۸۶: ۳۰۴-۳۰۳)

۲. **حملة راجی:** اثر ملا بمانعلی کرمانی که از آثار ارجمند در قرن ۱۳ است و به برخی احوال حضرت رسول^(ع) و جنگ‌ها و سرگذشت حضرت امیر پرداخته است. در سال‌های ۱۲۶۴ و ۱۲۷۰ در ایران چاپ شده و سی هزار بیت دارد. (صفا، ۱۳۷۴: ۳۸۰) از ویژگی‌های این منظومه استفاده زیاد از واژه‌های عربی است. عناصر غنایی نیز به فراوانی وارد آن شده که آن را در شیوه‌هایی چون کاربرد ساقی‌نامه به سبک نظامی می‌توان دید.

۳. **خداوندنامه:** اثر صباى کاشانی و از مفصل‌ترین حماسه‌های دینی این دوره است. موضوع این منظومه نیز شرح حال حضرت رسول^(ص) و پس از آن علی^(ع) است و تا جنگ صفین ادامه دارد. گویی او این شعر را به دستور فتحعلی‌شاه سروده است. (صفا، ۱۳۷۴: ۳۸۱) از ویژگی‌های این منظومه خلاف دیگر منظومه‌های دینی، توجه به واژه‌های فارسی و کهن است.

۴. **اردی بهشت‌نامه:** اثر سروش اصفهانی است. او در این اثر به منظومه صبا نظر داشته است. منظومه از احوال حضرت رسول آغاز شده و بیش از حضرت رسول^(ص) پیش گرفته و مهم‌ترین بخش حماسی‌اش جنگ بدر است؛ البته توصیف جنگ‌های احد و غزوات دیگر حضرت رسول نیز جنبه حماسی مناسبی در این منظومه دارد (صفا، ۱۳۷۴: ۳۸۴-۳۸۳). از آنجاکه اثر صبا سرمشق سروش است، در استفاده از واژه‌ها و ترکیب‌ها و توصیف‌های شبیه فردوسی هم اصرار دارد که در این موضوع به قدر صبا نیز پیش گرفته است.

صفا در سیر حماسه‌سرایی، آثاری دیگر چون جنگ‌نامه و داستان علی‌اکبر^(ع) را نیز به این دوره مربوط دانسته (صفا، ۱۳۷۴: ۳۸۵)؛ هرچند جنگ‌نامه اثر آتشی شیرازی (ف. ۹۲۸) است و محتملاً قبل از ۹۱۰ هجری سروده شده است.

۳.۲.۳. منظومه‌های حماسی - عرفانی

در این دوره و به‌ویژه در زمان ناصرالدین‌شاه و به علت تمایل

جمله «نوش‌آفرین» و «طوطی» مشهود است (خاتمی، ۱۳۷۳: ۳۳۱). در این منظومه، به‌ضرورت پیروی از شاهنامه و سبک حماسی آن، شاعر عمدتاً از واژه‌های فارسی بهره گرفته؛ البته واژه‌ها، خشنی حماسی و درشتی شاهنامه را ندارد. آرایه‌ورزی و لفظپردازی نیز گاه آن قدر در شعر دیده می‌شود که حماسه را به حاشیه رانده است.

۲. **منظومه محمد داوری شیرازی (۱۲۳۸. ۱۲۸۳ ق):** فرزند وصال نیز منظومه‌ای ۱۵۰ بیتی به سبک شاهنامه دارد که به محمدقلی‌خان قشقایی، ایلخانی فارس تقدیم کرده، منظومه‌ای کوتاه با مطلع:

درو از جهاندار با فز و داد / بر او کاین همه داستان کرد یاد (خاتمی، ۱۳۷۳: ۳۴۸)

جز موارد اندک یادشده، در قلمرو ایران، منظومه حماسی-تاریخی درخوری سروده نشده و این در حالی است که به روایت کتاب «حماسه‌سرایی در ایران»، آثار متعددی در قلمرو هندوستان سروده شده؛ ازجمله **جنگ‌نامه غلام‌محمدخان:** «یکی از شعرای رامپور در باب منازعات غلام محمدخان معروف به «جنگ ذوخواه» دومین پسر فیض‌الله‌خان از مشاهیر امرای محلی رامپور با برادران خود در قرن سیزدهم»، جرجیس رزم: از صفدر علی‌شاه متخلص به منصف درباره نخستین کارهای انگلیس در هند که دو منظومه دیگر هم در ذیل آن وجود دارد؛ یکی در **تمه واقعه هولکر** و دیگری **وقایع بهرت‌پور** که این دو در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ سروده شده است»، **جارج‌نامه** در سه جلد اثر یک زردشتی هند به نام ملا فیروز بن کاووس؛ و **قیصری‌نامه** از منشی ایشان لعل از شعرای هند متخلص به ناظر که در سال ۱۲۹۷ ق. تمام شده و به ذکر انگلیسیان پرداخته است (صفا، ۱۳۷۴: ۳۷۱-۳۷۰).

۳.۲.۳. منظومه‌های حماسی دینی

این دوره از نظر سرایش منظومه‌های دینی - حماسی از شاخص‌ترین ادوار شعر فارسی است؛ هرچند بسامد بالای منظومه‌های دینی شاید به دلیل افول نگاه حماسی ملی در نتیجه شکست‌های این دوره باشد. از این جمله است، منظومه‌های زیر:

۱. **مختارنامه:** اثر عبدالرزاق بیگ دنبلی (ف. ۱۲۴۳). این

مجموعاً ۴۰۲۹ بیت دارد. (کافی، ۱۳۸۶: ۳۶۶)
۴. *باغ فردوس* اثر الهامی کرمانشاهی (۱۳۲۵-۱۲۶۴):
این منظومه به سبک و وزن شاهنامه سروده شده و به
مراثی امام حسین^(ع) پرداخته است. آغاز آن سال ۱۲۹۵ و
پایانش ۱۳۰۲ قمری بوده است (کافی، ۱۳۸۶: ۴۲۳).

۳. ۲. ۵. مثنوی‌ها و منظومه‌های کوتاه

در بسیاری از دیوان‌های این دوره مثنوی‌ها و سروده‌های
کوتاهی دیده می‌شود که تاحدودی جنبه روایی حماسی
دارند و بیشتر به موضوع عاشورا توجه دارند. این آثار را
می‌توان در شعر شاعرانی چون صامت بروجردی (۱۳۳۱-
۱۲۶۳ق) گرایش‌های افراطی شیعه‌گری به‌وضوح دیده
می‌شود. از حکایت‌های حماسی عاشورایی در آثار او
می‌توان به داستان غلام سیاه و غلامی سفینه‌نام اشاره کرد
(کافی، ۱۳۸۶: ۳۱۴) از ویژگی‌های آثار او، جبر حاکم بر
کلام اوست که خود می‌تواند توجیه‌گر شکست‌های پیاپی
شاهان قاجار باشد. از دیگر مثنوی‌سرایان عاشورایی که
گاه در خلال روایت‌هایشان لحنی حماسی می‌گیرند باید به
کسانی چون راز شیرازی (۱۲۸۶-۱۲۰۰)، قائلانی شیرازی
(۱۲۷۰-۱۲۲۲ق)، فاضل بسطامی (۱۳۰۹-۱۲۳۷) و
حتی ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۴۷) اشاره کرد.

۳. ۲. ۶. دیگر شعرهای عاشورایی

در نگاهی کلی، ویژگی اشعار عاشورایی این دوره، یکی
سوغ و اندوه است و از آن مهم‌تر تقدیرگرایی و شکایت از
فلک. این قرائت بیش از همه به ادبیات غنایی و قرائت
احساسی نزدیک است. با این گاه در خلال شعرهای
عاشورایی برخی شاعران، روحیه و لحن مبارزه‌طلبی را
می‌توان دید. از عاشورایی‌سرایان این دوره می‌توان افراد زیر
را نام برد:

۱. یغمای جندقی (۱۲۷۶. ۱۱۹۶ق): او را می‌توان شاعر
برجسته عاشورایی در این دوران نامید. او هم با رونق
بخشیدن قالب مستزاد در مرثیه به ادبیات عاشورایی
کمک کرد و هم نوحه را با مخاطبان عام آشتی داد. او به
پارسی‌گرایی و اعتراض نیز در اشعار عاشورایی تمایل نشان
داد که همین نکته نیز شعر او را فحتمتی حماسی بخشیده

حکومت به پرهیز از جنگ و تاحدودی القای جبرگرایی،
منظومه‌های حماسی-عرفانی رواج یافتند. آثاری که تحت
تأثیر مقتل‌های منظوم سروده شده و از منظر ادبی نیز
مهم‌اند و بیشتر در بحر رمل و متناسب با وزنی (حماسی-
غنایی) مثنوی معنوی آفریده شده (ر.ک. کافی، ۱۳۸۶:
۳۰۹ تا ۳۱۱)، مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. *آتشکده نیر تبریزی* (ف ۱۳۱۲ق): این اثر مقتل منظوم
عاشورایی است که با لحنی حماسی و در بحر رمل سروده
شده و نگاهی عرفانی نیز به واقعه عاشورا دارد.

۲. *زبده الاسرار* (صفی علی شاه اصفهانی- ف ۱۳۱۶ق):
این مثنوی به شیوه سیر الی الله به تطبیق واقعه عاشورا
و رموز شهادت پرداخته و به منطلق ادبی مثنوی مولوی
نزدیک شده است.

۳. *گنجینه اسرار* (عمان سامانی، ف ۱۳۲۲ق): اثر میرزا
نورالله عمان سامانی ملقب به تاج الشعراست که در برداشتی
عرفانی از وقایع عاشورا سروده و شیوه آن بین دو اثر قبل
است و شاعر جنبه‌های عرفانی منظومه صفی‌علی‌شاه را با
شیوه حماسی منظومه نیر به هم آمیخته است.

۳. ۲. ۴. مقتل‌های منظوم

مقتل‌های منظوم نی‌زدر ادامه شکست حماسی حکومت‌ها
و بیش از همه پس از جنگ روسیه رونق یافتند. آثاری که
هم از منظر حضور عناصر غنایی برجسته‌اند؛ هم جبرگرایی
و شکایت از روزگار در آن‌ها دیده می‌شود:

۱. *طوفان البکاء* اثر جوهری قزوینی (ف ۱۲۵۲ق): این اثر
مقتل منظوم فارسی است که به مرثیه معصومان پرداخته و
دارای یک مقدمه و ۱۲ آتشکده است. مرثیه‌سرایی افراطی
از ویژگی‌های آن است. (کافی، ۱۳۸۶: ۳۸۰-۳۷۹)

۲. *مقتل از مدینه تا مدینه* که بخشی از دیوان عبدالجواد
جودی خراسانی است. (ف ۱۳۰۲ق). این مقتل آمیخته‌ای
از مثنوی و دیگر قالب‌هاست و در تعزیه‌ها بسیار پرکاربرد
بوده است. از ویژگی‌های اصلی این مقتل خرافه‌گرایی در
آن است.

۳. فدایی مازندرانی (۱۲۸۲. ۱۲۰۰ق): اثر درخور او مقتلی
است که در چهار بخش سروده شده است. وی این مقتل
را در بندهای مختلف سروده و چارچوب مثنوی ندارد و

(۱۲۴۱-۱۳۰۸ق) در قصایدش علاوه بر شیوه شاعران غزنوی، تلمیحاتی حماسی نیز در بازسازی تاریخ دارد. همچنین قصاید سروش اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ ق)، برخی قصاید قائلانی (۱۲۲۲-۱۲۷۰ق) هم لحنی حماسی در وصف ممدوح دارند. غیر از اینان میرزا محمدصادق وقایع‌نگار هم «قصایدی به شیوه متقدمان در مدح خاقان و عباس میرزا نایب السلطنه و میرزا محمدتقی صاحب‌دیوان و بزرگان دیگر دارد که در بعضی از آنها به حوادث آن زمان از قبیل فتح ترشیز و امیرآباد و خوبشان به دست عباس میرزا و غیره اشاره کرده است.» (آرین‌پور، ۱۳۵۴: ۷۶) گاه در قالب منظومه‌های غنایی، در مقدمه یا در خلال روایت‌ها، مدایحی با توصیفات حماسی نمود دارد. برای نمونه «نشاط» که در مثنوی‌های پراکنده‌اش در ستایش فتح‌علی‌شاه سروده است:

زآهن‌گرفریدون راست لافی تو از فولاد تیغ، آهن شکافی
زمین مثنی غبار آستانات حجابی چند بر در آسمان
(خاتمی، ۱۳۷۳: ۳۵۳)

۳.۲.۹. طنز و اعتراض

طنز و اعتراض به علت زبان تند و پرخاش‌گرایانه‌ای که دارد، گاه وجهی مبارزاتی می‌گیرد و این همان نقطه اشتراک آن با حماسه است. در این دوره، شعر انتقاداتی و طنز چندان رواج ندارد و رد آن را بیشتر باید از زمان مشروطه پیگیری کرد؛ باین‌حال در هزل‌ها و طنزهای یغما گاه انتقادات و پرخاش‌هایی حماسی دیده می‌شود به‌ویژه در «مثنوی خلاصه‌الافتضاح و مثنوی صکوک الدلیل او که در هجو سیدقنبر روضه‌خوان ساخته و او را رستم‌السادات خوانده است. این ضدقهرمان‌سازی که همراه با دشنام‌ها و واژه‌های رکیک است، در «سرداریه» او نیز دیده می‌شود (خاتمی، ۱۳۷۳: ۳۴۴). از دیگر شاعران معترض این دوره، شهاب ترشیزی و شیبانی و صباي دوم نیز در سرودن اشعار اعتراضی و انتقادی، قدرتی متمایز با دیگران دارند.

۳.۲.۱۰. حماسه در نثر قاجار

بررسی همه نشانه‌های زبانی، محتوایی و سبکی حماسه در آثار این صدسال، نیاز به مطالعات جامع و عمیق دارد؛

است. «لحن ستیزنده، کوبنده و پرخاشگر یغما، قدری از ذلت‌باری شعر عاشورا که در این عصر به‌فرآوری دامنگیر آن شده بود، کاست» (کافی، ۱۳۸۶: ۳۵۹). زبان سخته و تشبیه‌های حماسی در شعر او، نشان‌دهنده نگاهی حماسی در برخی اشعار یغماست.

۲. وصال شیرازی (۱۲۶۲. ۱۱۹۷ق): میرزا محمدشفیع شیرازی معروف به میرزا کوچک، اگرچه در سرایش منظومه‌های عاشقانه متبحر است، از این هنر در شعر عاشورایی بهره نگرفته است. ویژگی اشعار عاشورایی او سوگ احساسی حاکم بر اثر است:

این جامه سیاه فلک در عزای کیست / این جیب چاک گشته صبح از برای کیست (وصال، ۱۳۹۰: ۳۰)

۳. محمدکاظم صبوری خراسانی (۱۳۲۲. ۱۲۵۹ق): پدر ملک‌الشعرا بهار و از بزرگ‌ترین ترکیب‌بندسرایان عاشورایی است. او علاوه بر اینکه شیوه ترکیب‌بند سرایی را در وزن محتشم کنار گذاشت، از محدود شاعرانی است که در یکی از بندهای اثرش، با نگاهی حماسی بحث ظهور منتقم و انتقام کشی را مطرح می‌کند. (ر.ک. احمدی بیرجندی، ۱۳۶۹)

۳.۲.۷. حماسه در دیگر اشعار مذهبی

در کنار شعر عاشورایی، در این دوران می‌توان، رد حماسه را در برخی دیگر از آثار مذهبی به‌طور پنهان و نامحسوس دید. از آثاری با رگه‌های حماسه دینی پنهان، باید از «روضه‌الاسرار» سروش اصفهانی در مراثی اهل بیت، «شمس‌المناقب» او در مدح و منقبت خاندان نبوت، نام برد. همچنین باید یادآور شد که بسیاری از اشعار میرزا حبیب خراسانی (۱۳۲۷-۱۲۶۶ق) در این دوره، اگرچه مفهومی عارفانه دارد باید آنها را جزو حماسه‌های عرفانی دانست. همچنین در بسیاری از اشعار انتظار تذکره «انجمن قدس»، نگاهی حماسی دیده می‌شود.

۳.۲.۸. زبان حماسی در قصاید و آثار دیگر مدحی

زبان شاعران مثنوی‌سرا و قصیده‌سرای این دوران به علت بازگشتی که به ویژگی‌های باستان‌گرایانه خراسانی دارد، زبانی کهنه و گاه حماسی است. فتح‌الله‌خان شیبانی

با این حال در نگاهی کلی، می‌توان حضور حماسه را در چند بخش از نثرهای این دوره پررنگ‌تر دید.

۳.۲.۱۰. ۱. مقتل‌ها و نثرهای دینی

مقتل‌های منشور این عصر، بیش از همه در دوران ناصری رواج یافته‌اند. آثاری چون: «فیض‌الدموع» اثر میرزا محمد ابراهیم نواب تهرانی (ف ۱۲۹۹ق) معروف بدایع‌نگار از این گونه است. او همچنین در «ترجمه‌اش از نامه» «امیرالمؤمنین به مالک» لحنی گاه حماسی دارد. از دیگر مقتل‌های این دوره «مقام زخار و صمصام بتار» اثر فرهاد میرزا، (ر.ک. آراین‌پور، ۱۳۵۴: ج ۱) «نفس‌المهموم» نوشته شیخ عباس قمی و مقتل‌های «اکسیرالعبادات فی اسرار الشهادات» و «سعادت ناصری» از ملا آقا شیروانی (فاضل دربندی) و همچنین مقتل ناسخ‌التواریخ از سپهر کاشانی را باید نام برد. در نثرهای عاشورایی فاضل بسطامی نیز که از آن جمله می‌توان: امواج البكاء، البداء والتحفه الحسینیة را نام برد، تاحدودی می‌توان رد حماسه را دید. دو کتاب/احکام/الجهاد و جهادیه کبری اثر میرزا عیسی قائم مقام (ف ۱۲۳۷ق) هم با توجه به معنایی که دارند، اندکی مفهوم حماسی دارند که از منظر تاریخی نیز (همراهی با جنگ ایران و روس) بستر ساز نگاهی حماسی‌اند و باید از آنان در کنار رسالات جهاد نوشته شده در عصر فتح‌علی شاه یاد کرد.

۳.۲.۱۰. ۲. تاریخ‌ها و منشآت سلطانی

در این دوره در «منشآت نشاط» به‌ویژه سلطانیات او از جمله نامه «فتح‌علی شاه به ناپلئون و ژرژ سوم» ندکی زبان و لحن حماسی دیده می‌شود. قائم مقام فراهانی (قتل ۱۲۵۱ق) نیز گاه در منشآتش زبانی تند و چابک دارد. همچنین در نوشته‌های میرزا محمدصادق وقایع‌نگار به‌ویژه «تاریخ جهان‌آرا» گاه نگاهی حماسی بر تاریخ سایه افکنده است. در برخی از نوشته‌های ادیبانه میرزا ابراهیم خان تفرشی نیز (۱۲۸۰-۱۳۲۵ق) زبان لحنی حماسی یافته است. این شیوه در مقدمه «انجمن ناصری» و «تذکره مجدی» دیده می‌شود. مآثر سلطانیه دنبلی نیز از این منظر اهمیت دارد.

۳.۲.۱۰. ۳. نثرهای انتقادی و روشنگرانه

ظهور نثرهای انتقادی در این دوره در چند بخش طنز، ترجمه‌ها و آثار مطبوعاتی و سفرنامه‌ها و رمان‌های نخستین قابل پیگیری است و به همین دلیل آن را تا پیش از افتتاح دارالفنون و رواج ترجمه آثار اروپایی، کمتر می‌توان دید. از آثار ترجمه شده که به علت موضوع خاص و بیدارگرانه‌شان، لحنی گاه حماسی را به خوانندگان عرضه کردند، می‌توان کتاب‌هایی را چون تاریخ پتر کبیر و شرل دوازدهم اثر ولتر، ترجمه میرزا رضا مهندس، انحطاط و سقوط امپراتوری روم اثر گیون و ترجمه رضا مهندس، تاریخ فردریک کبیر، تاریخ لویی چهاردهم، تاریخ ناپلئون اول و... ترجمه محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه و ترجمه میرزاحبیب اصفهانی و تربیت نسوان ترجمه اعتصام‌الملک را نام برد.

از سفرنامه‌های عمدتاً بر ساخته نیز، نثر انتقادی حاج زین‌العابدین مراغه‌ای (ف ۱۳۲۸) در سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ و مسالک‌المحسنین طالبوف هم، گاه اندکی به زبان حماسی نزدیک شده است. البته شیوه دیگر آثار طالبوف چون ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی بیشتر به حماسه نزدیک است. در برخی متون انتقادی ادبی چون فرقه کج‌بینان، خوابنامه و رساله یک کلمه هم جنبه‌هایی آشکار از انتقاد حماسی نمود دارد. در کنار این آثار، انتشار روزنامه‌ها چه در داخل و چه در خارج ایران توانست، لحن عمومی جامعه را به سمت نگاهی جمعی و حماسی پیش ببرد. انتشار روزنامه‌ها و ترجمه‌ها از منظر ادبی موجب ورود واژه‌های جدید به زبان حماسی جامعه شد و همچنین مقدمه را برای ظهور طنز نویسانی چون دهخدا و ظهور روزنامه‌هایی چون نسیم شمال، ملانصرالدین و صوراسرافیل فراهم کرد. (ر.ک. آراین‌پور، ۱۳۵۴: ج ۱)

۳.۲.۱۰. ۴. سره‌نویسی و اندیشه‌های ملی

یکی دیگر از رگه‌های حماسه در ادبیات این دوره را باید در اندیشه بازگشت زبانی و فکری به ویژگی‌های ایران کهن جست‌وجو کرد. تمایل به سره‌نویسی و استفاده از واژگان فارسی در این دوره، بیش از همه در آثار منشور یغما و در کتاب بسیط دیده می‌شود که مجموعه‌ای از نامه‌های اوست. از

حماسی - انتقادی به نمایش‌نامه‌ها با ترجمه آثار آخوندزاده رونق یافت. این ترجمه‌ها را ابتدا میرزا آقا تبریزی و پس از او جعفرخان قراچه‌داغی انجام دادند (خاتمی، ۱۳۷۳: ۱۵۵).

۴. نتیجه‌گیری

حماسه به شیوه‌های مختلف در رفتارهای اجتماعی مردم و سیاست‌گذاران و در فرهنگ، نمادها و قراردادهای اجتماعی و هنر و ادبیات ظهور دارد. در یک نگاه کلی رد حماسه در جامعه و ادبیات دوره اول قاجار را (۱۲۰۹ تا ۱۳۱۳ قمری) را این‌گونه می‌توان معرفی کرد:

به علت بروز جنگ دهساله ایران و روسیه و تحمیل قطعنامه‌های گلستان و ترکمن‌چای و شکست ایران، جنگ‌های کوتاه با عثمانی، ناآرامی‌های داخلی، برپایی نهضت تنباکو، قتل گریبایدوف و در کنار آنها اقدامات اصلاحی عباس‌میرزا و امیرکبیر، فضای کشور برای بروز جنبه‌هایی خاص از حماسه فراهم است. از شاهان قاجار تنها آغامحمدخان روحیه حماسی دارد و در زمان فتحعلی‌شاه نیز این عباس‌میرزا است که تهوری حماسی از خود نشان داده و اگر از امیرکبیر در دوران ناصری درگذریم، دربار ایران در آن دوره را می‌توان، درباری کاملاً احساس‌مدار، فردگرا و غیرحماسی دانست.

در این دوره، اوج حماسه‌های مردمی در نهضت‌های دینی آشکار شده و قتل گریبایدوف و اقدامات کلامی و عملی روحانیان و مردم در مواجهه با روس‌ها و انگلیسیان و برپایی نهضت تنباکو، اوج حماسه در اجتماع را نشان می‌دهد. هرچه از شکست‌های ایران از روس می‌گذریم، دربار ایرانی حالت حماسی خود را به رویکردی سازشگرا نزدیک می‌کند و در نتیجه، لحن حماسی ایران در دل توده‌های مردم و در کنار عالمان دینی شکل می‌گیرد. در ایات و شعر هم، سبک بازگشت و پس از آن نوآوری‌های دوران معاصر باعث شده، حماسه در شیوه‌های متنوع بروز یابد. در دوران جنگ روسیه، توجه جامعه ایرانی به سمت بروز عملی و فیزیکی حماسه است و به همین دلیل، حماسه در ادبیات رونق چندانی ندارد؛ ولی پس از آن شاعرانی چون ملک‌الشعرای صبا در زمینه سرایش منظومه‌های حماسی دینی و دیگرانی چون راجی کرمانی، سروش

این مجموعه «چنین برمی‌آید که یغما به زبان عربی میلی نداشته است و سعی نموده که به جای کلمات عربی حتی از واژه‌های مهجور فارسی استفاده کند» (خاتمی، ۱۳۷۳: ۳۴۵). همچنین در کنار آثار یغما می‌توان مجلات سه‌گانه «نامه خسروان» را نیز نام برد که جلال‌الدین میرزای قاجار در آن به سره‌نویسی تمایلی ویژه داشته است.

۳. ۲. ۱۱. تعزیه و نمایشنامه‌نویسی

یکی از پدیده‌های فرهنگی که از جنبه‌ای خاص روحیه حماسی توده عهد اول قاجار را گسترش داد، تعزیه‌نگاری و تعزیه‌خوانی بود. در آغاز این دوره آثار تعزیه‌ای بیش از همه برآمده از ادبیات بودند و آثاری چون *خاوران‌نامه* و *حملة حیدری* در شعر و *روضه‌الشهدای* ملاحسین واعظ کاشفی در نثر، با اندکی تصرف و تغییر استفاده می‌شده‌اند (خاتمی، ۱۳۷۳: ۱۳۹). بسیاری از تعزیه‌های این دوره برآمده از آثار مقتلی آن زمان‌اند که پیش از این، از ویژگی‌های حماسی - مرثیه‌ای آنها سخن رفت. از جمله تعزیه‌گردان‌های مقتل‌نویس این دوره نیز می‌توان کسانی را چون «خواجه حسین‌علی‌خان»، در زمان فتحعلی‌شاه، «میرزا محمدتقی تعزیه‌گردان»، زمان محمدشاه و ناصرالدین‌شاه و «میرزا باقر معین‌البکا» زمان ناصری نام برد. (ملک‌پور، بی‌سال: ۲۲۹)

در این سال‌ها همچنین شیوه‌ای نیز در قفقاز و توسط حاج ملاآقای دربندی در روضه‌خوانی‌ها، تعزیه‌گردانی‌ها و عزاداری‌های اهل بیت^(ع) ابداع شد که به سرعت به ایران به‌ویژه تبریز و آذربایجان منتقل شد (معتضد، ۱۳۸۰: ۱۴). از دیگر عوامل گسترش تعزیه در این دوره به‌ویژه در زمان ناصری راه‌اندازی «تکیه دولت» بود (خاتمی، ۱۳۷۳: ۱۴۱). در این دوران علاوه بر تکیه دولت تکیه‌هایی چون رضاقلی‌خان، سرتخت، قورخانه، عزت‌الدوله و سرچشمه نیز به تعزیه‌گردانی مشغول بودند (ملک‌پور، بی‌سال: ۲۴). با تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ ق) نیز یکی از پدیده‌هایی که رخ نمود ترجمه آثار فرنگی و در میان آنها متون نمایشی بود. این متون از طریق قفقاز نیز به ایران سرازیر شد و در خلال این نمایشنامه‌ها به‌ویژه نمایشنامه‌های سیاسی، گاه روحیه حماسی مردم برانگیخته شد. البته گرایش

و غیرحماسی دارد. همچنین در این دوره در خلال نثرهای تاریخی و منشآت کسانی چون فاضل خان و قائم مقام و نشاط، نثرهای انتقادی و روزنامه‌ها و ترجمه‌ها، مقتل‌ها و نثرهای دینی و در آثار نمایشی و تعزیه‌ها نیز می‌توان جلوه‌هایی متنوع از حماسه را پیگیری کرد.

اصفهان‌ی و دنبلی، در حماسه‌های دینی و عمان سامانی، صفی‌علی‌شاه، و نیر تبریزی در عرصه حماسه‌های عرفانی آثاری درخور می‌سرایند. در شعرعاشورایی نیز کسانی نظیر یغما، وصال، صبوری، فدایی مازندرانی، صامت بروجردی، جوهری قزوینی و جودی خراسانی آثاری گاه حماسی می‌سرایند؛ هرچند ادبیات عاشورایی بیشتر نگاهی مرثیه‌ای

فهرست منابع

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۴)، *از صبا تا نیما*. ج ۱. تهران: جیبی.
- احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۶۹)، *اشک خون*. مناقب و مراثی حضرت سیدالشهدا. بی‌جا: اسوه.
- اوکانر، فردریک (۱۳۷۶)، *خاطرات فردریک اوکانر از مشروطه تا جنگ جهانی اول*. ترجمه حسن زنگنه. تهران: شیرازه.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۴)، *سبک‌شناسی*. جلد سوم. تهران: امیرکبیر.
- جودی (بی‌سال)، *کلیات دیوان جودی*. تهران: شرکت نسبی کانون کتاب.
- خاتمی، احمد (۱۳۷۳)، *تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی*. بی‌جا: پایا.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، *انواع شعر فارسی*. شیراز: نوید.
- صامت بروجردی، محمدباقر (بی‌سال)، *کلیات دوازده جلدی*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۴)، *حماسه‌سرایی در ایران*. تهران: فردوس.
- عبادیان، محمود (۱۳۷۹)، *انواع ادبی*. تهران: حوزه هنری.
- کافی، غلام‌رضا (۱۳۸۶)، *شرح منظومه ظهیر (نقد و تحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا امروز)*. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- گروه تألیف (۱۳۷۴)، *تاریخ ایران (از صفویه تا دوران معاصر)*. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- مارکام، کلمنت (۱۳۶۴)، *تاریخ ایران در دوره قاجار*. ترجمه میرزاجحیم فرزانه. بی‌جا: فرهنگ ایران.
- محدثی، جواد (۱۳۸۶)، *فرهنگ عاشورا*. قم: معروف.
- مرادی، محمد (۱۴۰۰)، *منشور دوم*. شیراز: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- معتضد، خسرو (۱۳۸۰)، *تاریخ ۵۷ ساله پهلوی*. تهران: علمی.
- ملک‌پور، جمشید (بی‌تا)، *ادبیات نمایشی در ایران*. تهران: توس.
- ورهام، غلام‌رضا (۱۳۶۹)، *تاریخ سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*. تهران: معین.
- وصال شیرازی، محمدشفیع (۱۳۹۰ ق)، *مراثی وصال شیرازی*. شیراز: کتابخانه احمدی.
- یغمای جندقی (۱۳۶۹)، *برگزیده اشعار، به کوشش سیدعلی آل داوود*. تهران: امیرکبیر.